

### پرسش که پیدا می شود این است که آیا داعش غیر اسلامی عمل می کند؟

یک عمل را ما وقتی غیر اسلامی می گوئیم که مطابق با شریعت اسلامی نباشد، به بویژه مطابق با آیه های قرآن نباشد و مطابق با رفتار پیامبر نباشد.

ما میدانیم که در اسلام، قرآن منبع اول و حدیث منبع دوم قوانین اسلامی است. آنچه که در بالا خواندید پیامبر اسلام، اصحاب و یارانش، خلیفه های راشیدیین و حاکمان اسلامی تا زمانی که زور و توانش را برضد کافران داشتند، انجام میداده اند: یعنی کشتن دیگر اندیشان و کافران، برده گرفتن و خرید و فروش آنان و استفاده جنسی از آنان.

البته کسانی که از دین ناآگاهند شاید چنین کاری در فکر شان نگنجد. ولی آنهای که آگاهند، کوشش می کنند، این اعمال زشت و غیر انسانی را توجیه کنند و احکام دینی را ماله کشی و یا پنهان کنند.

خوبی بنیادگرایان اسلامی مانند داعش در این است که دین اسلام را همانگونه که است، برملا می کنند، آن را خوب بیان می کنند و همانگونه که هست به مردم نشان میدهند و تطبیق می کنند. اعمال که داعش انجام میداد، یا طالبان تطبیق می کنند، در اصل غیر اسلامی نیستند بلکه مطابق با قرآن و حدیث اند. طبیعی است که طالبان نمی توانند، مانند داعش حکم برده داری را تطبیق کنند.

### سوال این است که آیا بردگی در اسلام ممنوع است؟

آیا آموزه های اسلامی به مردان مسلمان اجازه نمی دهد که زنان را به عنوان برده جنسی خود نگه دارند و با آنان آمیزش جنسی داشته باشند؟

پاسخ این پرسش را در رفتار و کردار پیامبر، در آیات قرآن و رفتار و کردار یاران پیامبر می توان دید. اسلام برده داری را نه تنها محکوم نکرده است بلکه این احکام در قرآن موجود است و الله هم آن را مجاز و حلال گفته است.

وقتی ما درباره یک موضوع اسلامی جستجو و پژوهش می کنیم باید به متون اولی و کتاب های که نزدیک به صدر اسلام است مراجعه کنیم. این کتاب ها مسایل را همانگونه که در آن زمان درک و فهمیده می شده، بما بیان می کنند.

این متون، قبل از همه، آیات قرآن، کتاب های نویسندگان اسلامی نزدیک به صدر اسلام و کتاب های حدیث است.

### چرا لازم است که ما باید منابع اولی و اصلی اسلامی را بخوانیم؟

پیش از همه برای آن لازم است که این احکام در متون یادشده وجود دارند. دوم، برای آن لازم است که ما با مطالعه آن به درک واقعی آن نوشته ها پی می بریم.

از سوی دیگر، ما با خواندن آن، با کلام خدای که خود را به ما هم دانا، هم توانا، هم عادل و هم مهربان معرفی کرده است و هم پروردگار و آفریدگار جهان است رو به رو هستیم. از چنین خدای هم توقع می رود که سخنانش حد اقل با صفات که خودش برایش توصیف کرده است مطابقت داشته باشد.

یعنی کلامش مطابق به دانایی، توانایی، عدل و مهربانی باشد. یعنی او باید رحم، مدارا و بردباری و شفقت به کافران که آفریده خودش است، نیز داشته باشد.

صفات آفریدگار و پروردگار توانا و دانا به این معنا نیز هست که آنچه او می آفریند و می پروراند، جامع و کامل است و نیازی به کسی نیست که آفریده خدا را کاملتر و جامع تر کند. یعنی در موضوع نوشتار ما، این که لازم نیست که یکی از آفریده هایش را حکم کند تا آفریده دیگرش را، برای اینکه درست پروریده و آفریده نشده است، بکشد یا به بردگی خود درآورد و از نو پرورش و تربیه کند. اگر چنین کند به معنای آن است که خدا خودش نتوانسته است یک کافر را درست و راست خلق و تربیت کند، و این مسؤلیت را به یک مسلمان ممنوع او میدهد که با تمام بی رحمی کافر را مسلمان و یا برده و کنیز خود کند. اگر چنین باشد توانا بودن خدا زیر سوال می رود.

از آنجاییکه که قرآن به حیث کلام الله متعال پذیرفته می شود، پس چه کسی حق دارد که از کلام الله متعال پیروی نکند. آیا قانونگذاری بالاتر و عالی تر از الله متعال موجود هست؟ این چیزی است که مسلمانان به آن باور دارند. یعنی باور دارند که هیچ قانونی بالاتر از قانون خدا نیست.

گیریم که قرآن کلام الله متعال است، پس بالاتر از او کسی نیست. ولی مشکل درین است که کلام خدا یا حکم خدا درباره بردگی به زندگی واقعی انسانها مطابقت ندارد. در زندگی امروزین، ما بردگی را یک روش زشت، مذموم و نکوهیده میدانیم که درست هم است. ما تجاوز به زنان را یک عمل بد می دانیم، اما الله آن را برای مسلمانان حلال میداند.

این مشکل را چگونه می شود حل کرد؟ کتاب های که مالاها یا آخوندهای امروزین نوشته میکنند، تلاشی است برای تحریف و ماله کشی متون اصلی آغازین. ولی بهتر همین است که به متون اصلی رجوع کنیم نه به نوشته های ماله کشان دینی.

پس، ما به اساس خرد، دانش و اخلاق انسانی خویش، حق داریم که به کلام خدا درباره بردگی، دانا بودن او را در دایمی بودن حکم برده داری و در توانا بودن، مهربان بودن و عادل بودن او شک کنیم؛ یا کم از کم به این شک باشیم که کسی که این سخنان را به نام کلام خدا به ما گفته است ما را فریب داده است.

یک مثال ساده: آیا یک انسان عادی عاقل و بالغ حاضر است که به رضایت و خواست خود، برده یک انسان دیگر شود؟ آیا بردگی ناپسندترین، زشت ترین و غیر انسانی ترین عمل نیست؟ آیا کافران واقعا بد و شرور اند؟

باوجود که به ما گفته شده است که مسلمانان نیک و کافران بد اند، ما در تجربه زندگی خویش میدانیم که انسانها به هر عقیده و دینی که هستند، باز هم بنا بر مهربانی، اخلاق و انسانیت، رفتار و کردار انسانی خود با یکدیگر فرق دارند. انسانهای مهربان و نیک در میان تمام گروه های انسانی، از هر دین مذهب وجود دارند. همچنان انسانهای شریر، بد اخلاق، نامهربان و بی رحم در هر گروه و طبقه اجتماعی وجود دارند.

آیا هنجارهای اخلاقی و موازین رفتار پسندیده حکم می کند که یک انسان نیک غیر مسلمان را به بردگی یا کنیزی یک انسان بد و شریر مسلمان قرار دهیم؟ فرض کنید میان مسلمانان و کافران جنگ درگرفته است و شهری از سوی مسلمانان اشغال شده است و تمام مردان آنان کشته شده اند و زنان را مسلمانان به غنیمت گرفته اند.

آیا ممکن است که خدای دانا و توانا، عادل و مهربان به چنین امر ضد کرامت انسانی و غیر عادلانه حکم کند؟ چگونه ممکن است که خدای که خود را عادل می داند، به یک آفریده خود حق می هد و حتا حکم می کند که آن آفریده دیگرش را به بردگی بگیرد و ملک و غنیمت عام و تام او شود و همزمان به او تجاوز جنسی کند.

کشتار غیر مسلمانان و تصاحب دارایی های آنان، صاحب شدن زن و کودکان غیر مسلمانان همه برای مسلمانان غنیمت اند و حلال. غنیمت گرفتن اسیران زن و کودکان، مانند شیر مادر حلال است.

**در آیه ۶۹ سوره انفال الله می گوید:**

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ، یعنی: پس، از آنچه به غنیمت برده اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا دارید که خدا آمرزنده مهربان است.

داشتن برده و کنیز نیز به مسلمانان از طرف الله حلال است. در آیه ۵۰ سوره احزاب، الله ضمن برشمردن زنانی که به پیامبر حلال است، کنیزان غنیمت گرفته شده در جنگ را نیز شامل زنان حلال می کند.

ترجمه آیه ۵۰ سوره احزاب

ای پیامبر، ما برای تو آن همسرانی را که مَهْرشان را داده ای حلال کردیم، و [کنیزانی] را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده، و دختران عمویت و دختران عمه هایت و دختران دایی تو و دختران خاله هایت که با تو مهاجرت کرده اند، و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد- در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد. [این ازدواج از روی بخشش] ویژه توست نه دیگر مؤمنان. ما نیک می دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده ایم، تا برای تو مشکلی پیش نیاید، و خدا همواره آمرزنده مهربان است.

یعنی خدا می گوید (همچنان) کنیزانی را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو یعنی پیامبر قرار داده است بر او حلال است.

جالب این است که درین آیه خدا خودش می گوید که کنیزانی را که غنیمت جنگی اند خدا در اختیار پیامبر قرار داده است. یعنی خدا در غنیمت گرفتن این اسیران شریک و همکار است. و همچنان خدا می گوید: و نیز زن مؤمنی که خود را به پیامبر ببخشد- در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد. این حکم را درباره زنان، الله برای آن می کند، تا برای پیامبر کدام مشکلی از ناحیه زن پیش نیاید.

باوجود که پیامبر زنان زیاد داشت باز هم الله هر زنی مؤمنی دیگر را که خود را به پیامبر ببخشد- در صورتی که پیامبر نیز بخواهد او را به پیامبر حلال کرده بود.

طوریکه در دو آیه بالا بیان شده است، داشتن برده و کنیز نه تنها غنیمت خداداد است، بلکه همخوابگی و جماع باکنیز حلال و جایز است.

بردگی در اسلام آن قدر نهادینه شده است که در واقع بخش مهمی از شریعت اسلامی به رفتار مسلمانان در رابطه به بردگی اختصاص دارد.

خود پیامبر اسلام هم برده داشت و هم برده می فروخت و هم از کنیزان استفاده جنسی می کرد.

مسلمانان در زندگی روز مره خویش تشویق شده اند که مانند خود پیامبر زندگی کنند. یعنی رفتار پیامبر به آنان الگو، نمونه و سرمشق زندگی است.

طبیعی است که گروه‌های دهشت افگنی مانند داعش و دیگران به خرید و فروش انسانها به عنوان برده مانند یک عمل کاملاً شرعی و مطابق احکام اسلام و رفتار پیامبر می نگرند.

مطابق آیه ۲۱ سوره احزاب، زندگی و رفتار رسول خدا مایه اقتدا، پیروی و سرمشق زندگی هر مسلمان و تمام مسلمانان است. ازین رو است که حدیث یعنی گفتار، رفتار و کردار پیامبر منبع دوم شریعت اسلامی است.

الله در آیه ۲۱ سوره احزاب می گوید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۲۱.

یعنی «قطعاً برای شما در رفتار رسول خدا مایه اقتدا و سرمشق زندگی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را بسیار یاد می کند.»

در قرآن آیاتی است که می گوید مردان مسلمان می توانند زنان را به عنوان برده جنسی نگه دارند. برده داری نمادی از چهره اسلامی واقعی است. اسلام واقعی همان اسلامی است که محمد و یارانش آن را در عمل تطبیق می کردند.

صرف نظر ازینکه الله در آیه ۲۱ به مومنان فرموده است که رفتار پیامبر به آنان الگو، نمونه و سرمشق زندگی است، باز هم نظری می افکنیم به برخی از آیاتی که الله در تایید بردگی گفته است.

چنانچه آیه ۱۷۸ سوره بقره قتل برده در برابر برده را مشروع می داند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ مِّنْ عِنْدِي بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۷۸

ترجمه استاد مهدی فولادوند

ای کسانی که ایمان آورده اید، در باره کشتگان، بر شما [حق] قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده، و زن عوض زن. و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند، و با [رعایت] احسان، [خونبها را] به او بپردازد. این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست پس هر کس، بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است.

یعنی در امر قصاص حکم شده است که انسان آزاد در برابر انسان آزاد قصاص می شود، برده در برابر برده و زن در برابر زن قصاص می شود.

نباید فراموش کرد که قصاص، یا قتل در برابر قتل، در دوران زندگی ابتدایی قبیله یی در تمام جهان میان تمام قبایل رایج بوده است. قبیله ها در آن وقت دولت و قوه قضایی نداشتند تا جزای چنین جنایات را به در اختیار شان قرار دهند. قصاص بهترین را برای جلوگیری از کشتار انسان ها بود. این امر برای بقای قبایل یک امر عادی بوده است. قصاص جزایی بود که باعث می شد که کسی به ناحق دیگری را نکشد. قصاص به خویشان و نزدیکان مقتول حق میداد تا کسی را از اقوام قاتل یا خود قاتل

با اجرایی قصاص بکشند تا این عمل بار دیگر تکرار نشود. در زندگی مدرن چنین احکامی از سوی دادگاه مطابق با قانون کیفری کشور انجام می یابد.

اما درین جا در قرآن آن را به عنوان کلام خدا به ما معرفی می کند.

در امر قصاص یک بی عدالتی هم وجود دارد: فکر کنید که گل پادشاه، برده ای گل احمد را کشته است، در حالی گل پادشاه نیز برده دارد و اما برده اش جرم را مرتکب نشده است و جرم را گل پادشاه خودش مرتکب شده است. این آیه به گل احمد این حق را میدهد که یکی از برده های گل پادشاه را به قصاص برده کشته شده اش بکشد. درین جا مجرم اصلی که گل پادشاه است جزایی نمی بیند، اما برده اش که هیچ گناهی را مرتکب نشده است، به دلیل جرم صاحبش قصاص می شود. این حکم در برابر زن نیز چنین است. این چیزی است که خدا در آیه بالا تعیین کرده است.

ادامه دارد...